

تخف

عباس حسن راد



سرشناسه: حسن زاده، عباس، ۱۳۱۶.
عنوان و نام پدیدآور: تحفه / [نویسنده] عباس حسن زاده.
مشخصات نشر: گراش: نشر انالالحق، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ج: [۱]، ۲۰۰ ص: مصور؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۳۳۵-۱-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: اطلاعات عمومی
موضوع: شعر فارسی - - قرن ۱۴
موضوع: لار
موضوع: گراش
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ت ۳۴۵/ح ۳۶/AG
رده بندی دیویی: ۰۳۹
شماره کتاب شناسی ملی: ۳۹۲۲۱۸۰



تحفه، (۱۳۹۵)

نویسنده / عباس حسن زاده

نوبت چاپ / اول- ۱۳۹۵

تیراژ / ۱۰۰۰ جلد

حروف چینی / آموزشگاه غدیر

صفحه آرایی / فاطمه شکری

آماده سازی چاپ / کانون آگهی و تبلیغاتی موج سوم

چاپ و صحافی / زیتون

طراحی جلد / مرضیه خواجه پور

قیمت / ۱۲۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ

آدرس: گراش. خیابان بازار قدیم. ساختمان موقوفه حسینیه اعظم. انتشارات انالالحق

فاکس: ۰۷۱ ۵۲۴۵ ۰۱۲۷

تلفن: ۰۷۱ ۵۲۴۵ ۰۱۲۶

عنوان صفحه

- ۱ مقدمه
- ۳ بحر طویل سپاس خداوند
- ۶ شمه‌ای از فرمایشات علی^(ع) در نهج البلاغه مربوط به خداشناسی

فصل اول

دانستنی‌های ماورای جهان و گزیده‌های گوناگون

- ۱۴ طنز شاه قاجار
- ۱۵ اولین سوئگ آثار باستانی تخت جمشید کیست؟
- ۱۶ بدایه و زرکند
- ۱۶ اطلاعاتی - رابطه با تأسیس بلدیه در ایران
- ۱۷ مقایسه دو عصر در صورتات دولت
- ۱۷ بخوان و باور کن
- ۱۸ دلیل رواج شدن نقاب خاتم
- ۱۹ موهبت خدادادی
- ۲۰ اطلاعاتی درباره اورانیوم
- ۲۰ صابران مشهور عالم
- ۲۱ فلسفه‌ی خواندن آیات برائت بر مشرکان
- ۲۳ درایت و وفای به عهد ابراهیم مالک‌اشتر نخعی
- ۲۴ تخریب بتخانه قیس
- ۲۵ فرقه معتزله چه مفهومی دارد
- ۲۵ تاریخ انتشار روزنامه در ایران
- ۲۶ رؤیای انوشیروان
- ۲۷ تئوری نهر و نخست وزیر اسبق هند در رابطه با خلقت زمین

- ۲۸..... خوشنودی انوشیروان از بضاعت مردم
- ۲۸..... طنز بنام شعر سلمانی
- ۳۰..... ضرب سکه به دستور حضرت امام سجاده^(ع)
- ۳۱..... نظمی از ظهیر قاریابی
- ۳۲..... مردان بزرگ در شکاف تاریخ
- ۳۲..... عجایب خلقت کیهانی
- ۳۳..... سنگین ترین وسیله نقلیه جهان
- ۳۳..... نتیجه زار و زدن
- ۳۷..... مار خواب
- ۳۷..... کیفیت مادر در تناسل
- ۳۹..... در رابطه با موسس حرانات چه می دانید؟
- ۴۰..... شاهکار هنرمندان ایران زمین
- ۴۰..... فلسفه شلیک توپ برای بزرگان
- ۴۱..... معجزه شق القمر
- ۴۲..... شرحی از سرزمین وحی
- ۴۴..... شرح کوتاهی از زندگی پربار پیامبر اکرم^(ص) تا رحلت
- ۴۵..... مصاحبه بحیرای راهب با حضرت محمد^(ص)
- ۴۶..... جریان ازدواج حضرت محمد^(ص) با خدیجه کبری^(س)
- ۵۰..... آیا از گذشته تهران اطلاعاتی دارید
- ۵۲..... اثر تقوا و خداجویی
- ۵۳..... در خدمت خاموش زبانان
- ۵۴..... رازی که با درایت شیخ اجل سعدی فاش شد
- ۶۰..... ارتباط مردان خدا با معنویت
- ۶۲..... توسل به حلال مشکلات

عاطفه انسانی.....	۶۳
بد عهدی دنیا.....	۶۵
پیامبرانی که خداوند مکرر در قرآن از آن‌ها نام برده.....	۶۵
نقش نیروی برق در زندگی اجتماعی.....	۶۶
درجات عارفان بزرگ.....	۶۷
دسائس رؤسای قبایل بر علیه امیرالمؤمنین (ع) پس از رحلت رسول الله (ص).....	۶۹
واقعه‌ایی از جنگ خندق از زبان جابر.....	۷۰
حقیقتی که شاید هیچ فکری به آن نپرداخته.....	۷۲

فصل دوم

ایاتنی سروده مؤلف

به نام دیوان.....	۷۵
-------------------	----

فصل سوم

زعامت و هیأتی به لارستان، سبعه و بنادر

چگونگی حکومت و نحوه شکل گیری ال دبیسی گراشی بر لارستان بزرگ آنروز.....	۱۲۳
نکاتی درباره قدمت شهر لار.....	۱۳۵
شرحی از بازار قیصریه لار.....	۱۳۶

فصل چهارم

وضعیت تاریخی و اجتماعی گراش

اوضاع طبیعی و تاریخی گراش.....	۱۳۹
نخستین کارخانه گندم خوردکنی غیر آبی در منطقه لارستان.....	۱۴۵
نخستین اتومبیلی که وارد گراش شد.....	۱۴۵
نخستین گیرنده رادیویی که به گراش وارد شد.....	۱۴۶
استفاده از نیروی برق.....	۱۴۶
اطلاعاتی در رابطه با صنعت ساروج (سیمان قدیم).....	۱۴۸

- تهیه گنج با کوره‌های دستی ۱۴۸
- نحوه ساخت انواع ظروف سفالین ۱۴۹
- صنعت باروت‌سازی ۱۵۰
- اطلاعاتی در رابطه با برگزاری مراسم مذهبی ۱۵۱
- برنامه شب‌های ماه مبارک رمضان ۱۵۳
- نبرد برق چگونه در فصل تابستان آب خنک تأمین می‌شده ۱۵۳
- مراسم شام غریبان ۱۵۴
- هفت‌بند خوانی سنت خیلی قدیمی ۱۵۵
- زمان دریافت تصویر تلویزیونی در گراش ۱۵۶
- مراحل ارتش به پد گراش ۱۵۶
- شرحی درباره تاسیس دبستان بهسبک امروزی دولتی ۱۵۷
- تأسیس اداره بهداری دولتی ۱۵۹

یوست‌ها

- تصاویر ۱۶۵
- مراسم رسمی در گذشته‌های گراش ۱۶۵
- برخی از اقدامات خیرخواهانه در گراش ۱۷۳
- یادی از دوستان قدیمی ۱۸۴

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

اولاً دفتر بنام ایزد دانا صانع و پروردگار وحی توانا
سنایش بی آلائش معبودی را سزد که وجود هستی از تابش اوست، و
پرستش بی امتناع را نبد که دانا و توانای مطلق است. پیدایش هستی از
اوست و رجعت همه به سون او. خداوندی که هادی بندگان شایسته
به سوی سعادت ابدیست و میران معصوم او انتشاردهنده پیام هستی بخش
وحی برای رستگاری بندگان در عالم. درود بی پایان بر عبد صالح اسوه
انسانیت و سمبل زیبایی ها و سرور کائنات حضرت محمدابن عبدالله (ص)
خاتم پیامبران و پناهگاه خطاکاران که ابدی همه بر شفاعت اوست و
اوست که شفاعتش مقبول درگاه کبریایی است.

خداوندا توفیق عنایت فرما تا اکنون که دم از بندگی تو می زنیم
ریسمان سعادت و نیک بختی عبودیت تو را رها نسازیم، و شیطان دیرین و
برون ما را نفریبد و از شفاعت بهترین برگزیده ات بی نصیب نشویم و دل
را به ولایت و انقیاد اوصیاء معصوم آن بزرگوار صفا و جلا دهیم و
گام هایمان را محکم و استوار در راهی که صالحان معصوم تو پیشروان آن
هستند، به سوی سعادت ابدی و منزلگاه موعود به پیش بریم. ان شاء الله

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر
نه هر صدف که فرو برد قطره‌ای باران
صدف بیايد و باران و بحر و چندین سال
وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم
ما همچنان در اوّل وصف تو مانده‌ایم
درون سینه او گشت جای دُر دانه
هنوز نیست مقرر که می‌شود یا نه

هر انسان آگاه و علاقمند به حکم فطرت ذاتی و خوی طبیعی مایل
است محصول تحولات و تجربیات دوران حیات خود را که دربر
گرفته‌اند دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، خواندنی‌ها و خلاصه عصاره آنچه قابل
کسب است در قالب دفتری ماندگار در دسترس دیگران قرار بدهد.

یکی موجب‌های الهی گوهر ارق گرایي است. ارق به وطن، به سنن
و آداب، ارق به زادگاه یا ارق به بستگان و دوستان که در اصطلاح شرع
صله رحم نامیده می‌شود، رسیو ایست بسیار پسندیده و مطلوب و زمانی
که این پدیده زیبا در نهاد انسان شکل گرفت قلم این تجربیات را به
نگارش در خواهد آورد.

لذا مجموعه‌ای نه‌چندان کامل که تراشیده از یاد و خاطره نویسنده
و پاره‌ای هم الهام گرفته از نویسندگان با سابقه به علاقه‌مندان تقدیم
می‌شود در چهار فصل به نگارش درآمده و دسته‌بندی این مجموعه بیشتر
جنبه تنوع و سرگرمی دارد که به‌طور خلاصه و مختصر حداد آنها به
تحریر خواهد رفت.

فصل اوّل: دانستنی‌های بانشاط، اطلاعات مفید، شگفتی‌های جهان و
ماورای جهان و سایر موضوعات پرنمر.

فصل دوم: ابیاتی سروده خود مؤلف بدون دخل و تصرف در آثار شعر شاعران و عرفا تعداد این ابیات یک هزار بیت است که بنام «دیوان علی» مسمّا شده و نقایص آن به وسیله خوانندگان مورد عفو و بخشش قرار خواهد گرفت. ان شاء الله

فصل سوم: نحوه شکل گیری تشکیلات حکومتی لارستان بزرگ از اواسط قرن هفدهم تا اواسط قرن بیستم به مرکزیت گراش و به زعامت مدیرانی از گراش.

فصل چهارم: دربرگیرنده آداب و رسوم، انواع محصولات کشاورزی، صنایع دستی گراشی و ریژگی های بافت ساختمانی آن روز، مراسم مرسوم مذهبی و نظایر آن.

بحر طویل سپاس خداوند

اول از حمد خداوند سبب ساز قدیم ازلی، الخالق خلق، کریم است و رحیم است و علیم است و بصیر است و سلیم است و ودود است، صبور است و شکور است، مجیب است و مجیر است، کر است و خیر است و قدیر است، طیب است و حکیم است به هر جسم و جود و سر و چشم و بدن آدم خاکی، که بود فرد و احد؛ واحد و یکا و صمد، بی شریک است، نه زاد و نه ولد، نیست نظیرش نه مثال و نه مثلش، نه کسی است عدیلش؛ صفت ذات خدا را.

بعد حمد ازلی، باز بیویم گلی از گلشن گلزار محمد (ص) ابوالقاسم و احمد، به مدیح احمد و سرمد که بود اول و آخر؛ که بود ظاهر و باطن،

که بود نور ضیاء، شمع و شعاع، بدر دوجا، بحر عطا، جود سخا، راهنما،
صلح و صفا، مهر و وفا، حاکم از حکم خدا، عالم از علم علی، قبله
محراب دعا، در صف روز جزا، شافع عصیان و گناه خلق خدا را.

باز گویم زعلی شیر خدا، حیدر و صفدر، ولی حضرت داور، وصی
نفس پیامبر، صاحب تیغ دوپیکر، قاتل لشکر کافر، فاتح قلعه خیبر، ناظم
نظم و کشور که بود میرغضنفر که بود شافع محشر که بود ساقی کوثر،
علی آن شاه ولایت، علی آن میرهدایت، علی آن صاحب غیرت و مروّت،
علی آن شه شریعت، علی آن پیر طریقت، شافع روز قیامت به همه شاه
و گدا را.

حمد پروردگار حق و بصیر، که ندارد مثال و مثل و نظیر، غیر او نیست
خالقی دیگر، پادشاه هست و نادرست و قدیر، مهربانتر ز مادر و پدر است.
بر اناث و ذکور و خرد و کبیر، بی صغیری از او کبیر شود، هر کبیری
از او رسد به صغیر، صانع صنع و ساز دستار، حاکم صد هزار حکم صغیر،
رهبر رهروان رهدار است، آمر امر عابران امیر، ساقی ساغری شراب بیار، تا
بنوشیم دو ساغر از می پیر، ز آن شرابی که عارفان نرسد، صبح نوروز و
روز عید غدیر، خاتم ختم انبیاء احمد، منبری ساخت از جهان بعیر، نی
بفرمان خود به امر خدا، جبرئیل آمد از برای بشیر، بر تو باد سلام ای سرور،
چون که هستی عزیز حق قدیر، کن علی را به عالمی ظاهر، جانشین تو
هست بی تدبیر، رفت احمد به عرشه منبر، همه دیدند از صغیر و کبیر،
سخت بگرفت بازوی حیدر، برد بالا به یک تکبیر، آن زمان گفت سید
ابرار، کای جماعت علی مراست نظیر، هر که دارد قبول فرمانم، پس بداند

که اوست خیر گیر، باز گفتا به امر حضرت حق، هم مشاور من است و هم مشیر، جانشین شد که بود از اول، والی صدهزار میر و امیر.

فرمان خداوند خطاب به حضرت داوود (ع):

ای داوود بر تو باد استغفار در تاریکی شب تا هنگام سحرها.
ای داوود چون تاریکی شب فرا گرفت، نگاهی به ستارگان در آسمان بینداز و تسبیح گوی من باش و فراوان به یاد من باش تا من به یاد تو باشم.
ای داوود همانا مردان باتقوا شب هایشان را ن خوابند، مگر نمازشان برای من بگذارند و روزه ایشان را به پایان نرسانند مگر با یاد من.
ای داوود همانا عارفان سر مه بیداری شب را به چشمان خود کشیده اند، و شب را در قیامت و رضای مرا تا ایر رهگذر طالبند.
ای داوود هر کس که به شب نماز ندارد آنگاه که مردم در خوابند، و فقط به خاطر من باشد پس من فرشته نام را در سر می دهم تا برای او استغفار کنند و بهشت من مشتاق او گردد پس هر روز خشکی را برای او دعا می کند.

اگر خدای نباشد زبنده ای خشنود	شفاعت همه پیغمبران در سود
دل زمزگان تو ریش است و تن از غمزه فگار	هر که را می نگریم تیر جفا نیست

شمه‌ای از فرمایشات علی^(ع) در نهج البلاغه مربوط به خداشناسی
 سپاس و حمد خدای را که به امور پنهانی داناست و نشانه‌ها و علامت‌های
 ظاهر بر وجودش دلالت دارد، و دیدن او با چشم محال است. پس چشم
 کسی که او را ندیده انکارش نمی‌کند، و دل کسی که وجود او را از آثار و
 علامات دانسته به کنه ذاتش پی نمی‌برد. در علو و بلندی برتری دارد که
 چیزی از او بالاتر نیست. و در زندگی و قرب نزدیک است که چیزی از او
 نزدیکتر نیست. بنابراین بلندی او را از آفریدگانش دور نساخته و نزدیکی او
 خلق را در مکی با او برابر ننموده است. خردها را بر حد و نهایت صفتش
 آگاه ننموده علی آثار او را از شناختن خویش به قدر واجب باز نداشته است.
 پس اوست خدایی که پدید ما و نشانه‌های هستی بر او دلالت و گواهی
 دارد، و حتی دل‌های مکران با وجود این آثار بر او گواهی می‌دهند. هر چند
 به ظاهر انکارش کنند منزّه است از این که او را به جسم تشبیه کنند یا
 وجودش را منکر گردند.

سپاس و حمد مخصوص خداوندی است که هیچ صفتی از صفاتش بر
 صفتی دیگر سبقت نگرفته است، پس قبل از آن که آخر باشد اوّل است و
 پیش از آن که پنهان باشد ظاهر است و غیر او هر که به حدت نامیده شود
 اندک است. و هر عزیزی غیر او ذلیل و خوار است چرا که معادل سواره
 دلیل علت است. و هر توانایی غیر از او ناتوان و درمانده است و هر مالکی
 غیر او مملوک است. و هر عالم و دانایی غیر او متعلم است و هر توانایی
 غیر او گاهی تواناست و گاهی ناتوان. و هر شنونده‌ای غیر او از صداهای
 خیلی بلند کر می‌شود و صداهای آهسته و دور نمی‌شنود و هر بینایی غیر از

او ریگ‌های پنهان اجسام لطیفه یا بسیار ریز را نمی‌بینند. و هر آشکاری غیر او آشکار نیست و هر پنهانی غیر از او پنهان نیست.

آنچه را آفریده است نه به خاطر تقویت سلطنت است و نه ترس از عواقب زمان و نه به خاطر یاری خواستن برای دفع شریکی که با او رقابت کند، و نه برای جلوگیری از چیره شدن و مباحثات انباز است. بلکه آفریدگار بشر همه ریزه خوار خوان نعمتش می‌باشند و بندگانی ناتوان و خوار بر برابر او هستند. او در اشیاء حلول نمی‌کند تا گفته شود در آنهاست و راضی دور نمی‌گردد و تا گفته شود از آنها جداست. آفریدن مخلوقات را را خصه نکرده و تدبیر حال آنها ناتوانش نساخته و در آفریدن اشیاء هرگز عاجز و درنگ نکرده و در آنچه حکم نموده و مقدر کرده شبهه‌ای برایش حاصل نشده بلکه حکمی است محکم و استوار، و علمی است ثابت و پایدار، و امری است برآمده و بی‌قرار، با همه نعمت‌ها و عقوبت‌هایش بندگان به او امیدوار، و با همه نعمت‌ها و بخشندگی‌هایش از او هراس و ترس دارند. اول بودن او را نسبت و درستی را نهایی نیست، اوست اول که همیشه بوده و اوست پاینده که نهایی ندارد. بی‌مانی‌ها در برابرش به خاک افتاده و لب‌ها به توحیدش نوا گشته است. حدود و رزهای اشیاء را در هنگام آفریدن تعیین نموده تا خود از شبیه آنها شدن امتیاز داشته باشد. افکار و اندیشه‌ها نمی‌توانند او را با حدود و حرکات و اعضاء مشخص نمایند. به او گفته نمی‌شود کی و در چه زمانی بوده و مشخص نمی‌شود که تا چه زمانی خواهد بود. زیرا او بر زمان احاطه دارد و در دسترس است و او ماده نیست که زمان بر او احاطه و قدرت داشته باشد.

او ظاهر است ولی نمی توان گفت از چه پیدا شده و پنهان است ولی نمی شود گفت در چه چیز پنهان گشته، جسمی نیست که از دور جلوه داشته باشد سپس نابود گردد. و پشت پرده نیست تا چیزی بر او احاطه کرده باشد. نزدیک بودن و قرب او به اشیاء از لحاظ چسبیدن به آنها نیست، و دوری و بعد او از آنها به جدایی نمی باشد. مقدس و منزّه است از این که تعیین کنندگان حد و مرزها و جوانب و اطراف و فراهم آوردن جاها و قرار گرفتن در آنها به او نسبت دهند. حد و نهایت تنها شایسته مخلوقاتش است و به غیر او نسبت داده می شود. اشیا را از روی اصولی ازلی و ابدی نیافرید، بلکه آفرید آنچه را آفرید و برای آن حد و اندازه ای قرار داد و صورت و شکل داد. و به مرزها و خواست پس شکلش را زیبا و نیکو ترسیم نمود. هیچ شیئی و چیزی نمی تواند بر او امتناع و سرپیچی کند و اگر او را اطاعت کند برای او سودی ندارد و آگاهی به گذشتگان و مردگان، مانند علمش به زندگان و ماندگان است. و علمش به آسمان های بالا مانند علمش به زمین های سفلی است.

پهرستان گراش - فارس

حسن زاده

مهرماه ۱۴۳۶